



ماری من بقیه ی
کارهارو انجام میدم



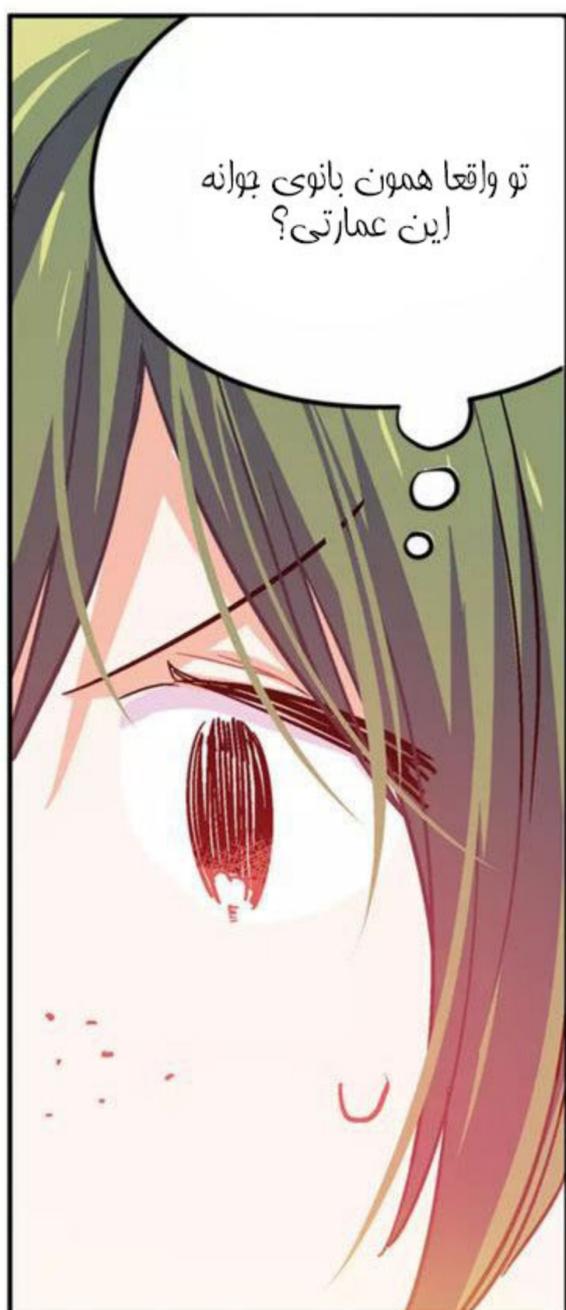
بانو!!

اگه صدمه ببینید چیی؟

صدمه نمیبینم.
علاوه بر این، این
راه برام اسون تره



باز با این حال هنوزم سرت
شلوغه. برو کارایی که
لازمه رو انجام بده.





آه!



بابت کیک ممنونم.
خیلی خوشمزه بود.

!?



لوه درسته!
بعد از شام خانوادگی دیشب،



بانوی جوان حتی از خدمتکارهایی
که قبلاً بهشون زورگویی میکرده
معذرت خواهی کرد.

من صادقانه
متاسفم.



این روزا همیشه لبند میزنه و حتی
درمورد سلامتی و لفاه ما میپرسه.

همه فکر میکنن سرش
به بایی خورده...

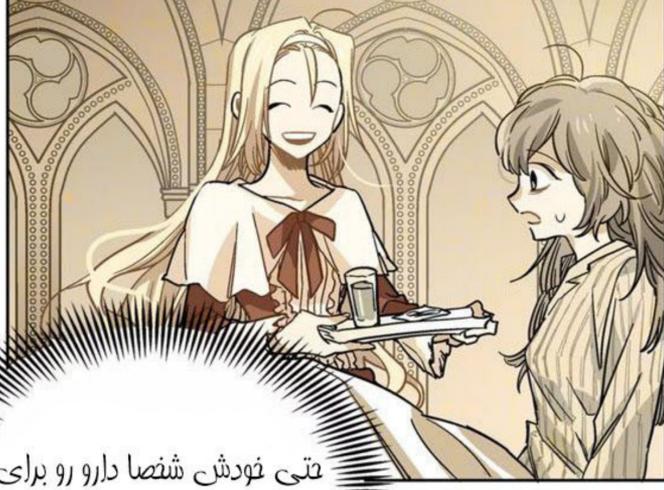
ولی بانو دپروز وقتی مادر اقای هان رو دید که مریضه بردش دکتر و هزینه ی درمانش رو داد.



متی وقتی شنید میلی بارداره، براش هدیه های برد



متی خودش شفا دارو رو برای خدمتکاری که حالش بد بود برد!



نکنه فرشته ای وارد بدن بانوی جوان شده؟



اگه اینطوره پس فرشته ی عزیز هیچوقت نروو!!



امیدوارم بانوی جوان همیشه و تا ابد همینطوری مهربون بمونه.





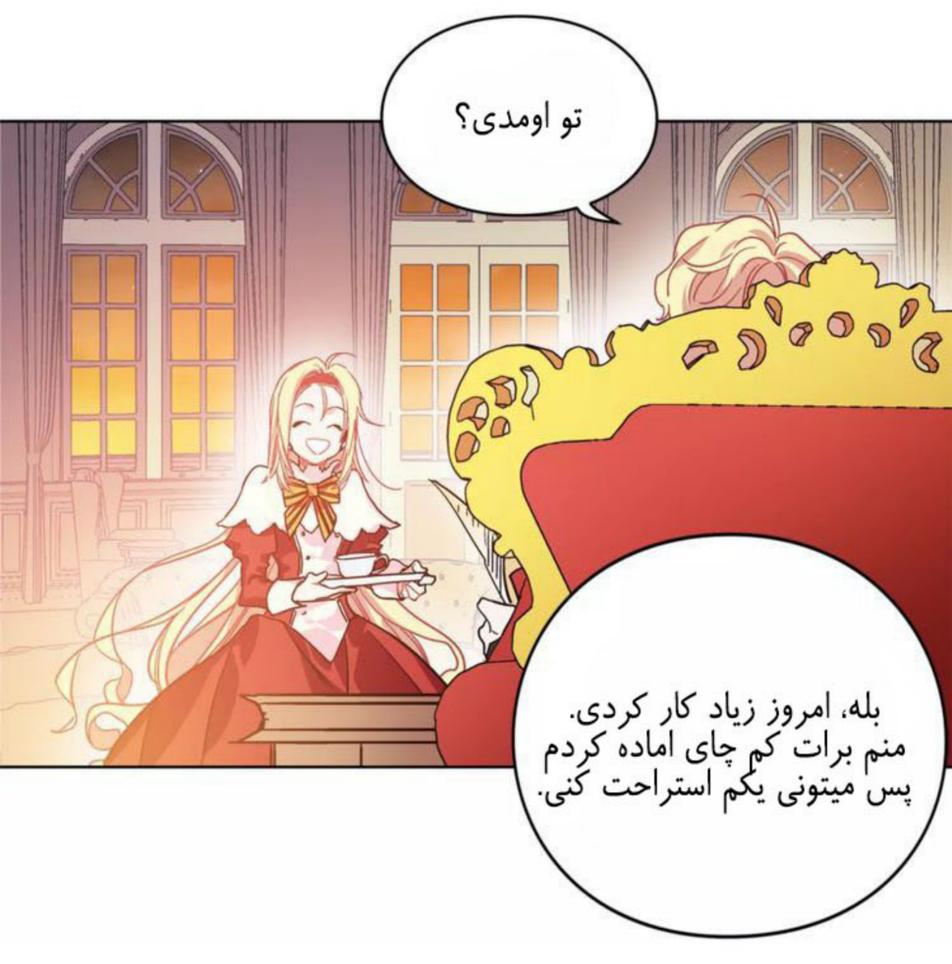
女王的
王太子
دکتر
الینزه

مترجم: MIRA و ANORA

کلینر: ATI-CHAN

تایپست: ANORA

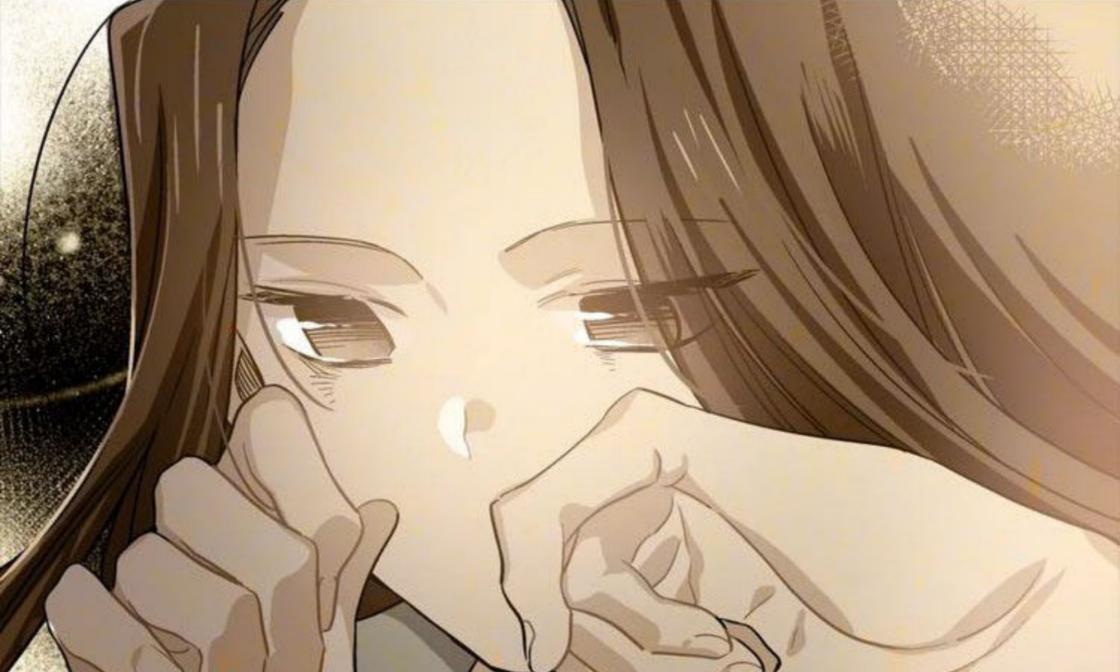




شنیدم سونگ جیون تو کلاس
۳ مادر پدر نداره، درسته؟



مامانم میگه من نباید با بچه های
وحشی بازی کنم!



	First Term	
2	Outstanding	
3	Outstanding	
2	Outstanding	
2	Outstanding	
2	Outstanding	
	Outstanding	
	Outstanding	
	Outstanding	

حتی به عنوان یه بچه یتیم،
بازم تو هنوز بهترینی تو
درسات. این کاملاً
خارق العاده است.



تو اون زمان حتی اگر میخواستی هم نمیتونستی به خانوادهم احترام بزاری.



چه طعم چایی رو دوست داری؟

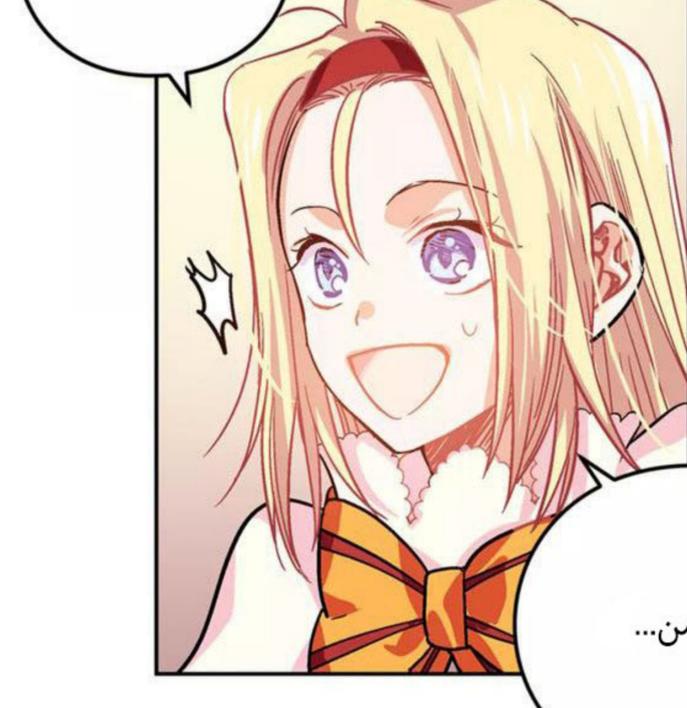


از این به بعد، برات فرزند خوبی میشم پدر.



آه چه چای خوشمزه ای!

حتی چای قصر هم خیلی خوشمزه نیست. چطوری درستش کردی که انقدر خوشمزه است؟



!!

مم...من...



من چی؟

من برای جلب توجه پرنس توی زندگی قبلترم زمان زیادی صرف یادگیری چای درست کردن کردم.



.....

چند روز پیش تفریحی یاد گرفتم.



خب پدر من دیگه میرم
مراقب خودت باش.

اوه... به این زودی
میخواهی بری؟



من اگه اینجا باشم فقط
مزاحم کارت میشم.

به کارت ادامه بده.
سر شام میبینمت.



پرا الیز انقدر با قبلش
فرق کرده؟

توره
دادن

این یکم نگران کنندس...

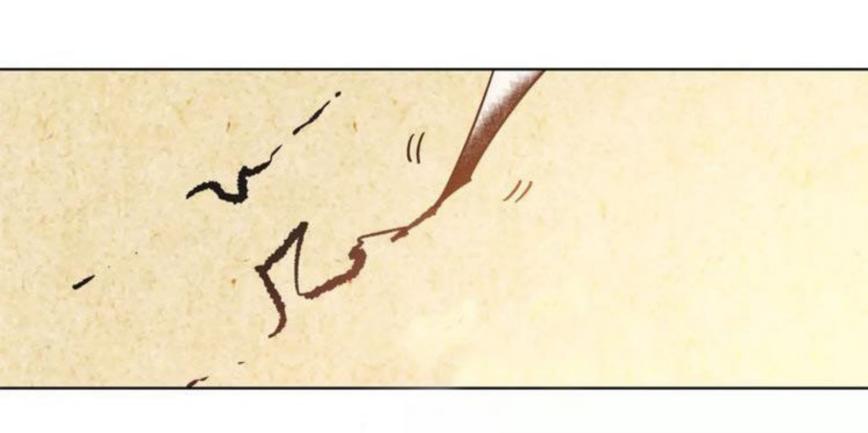
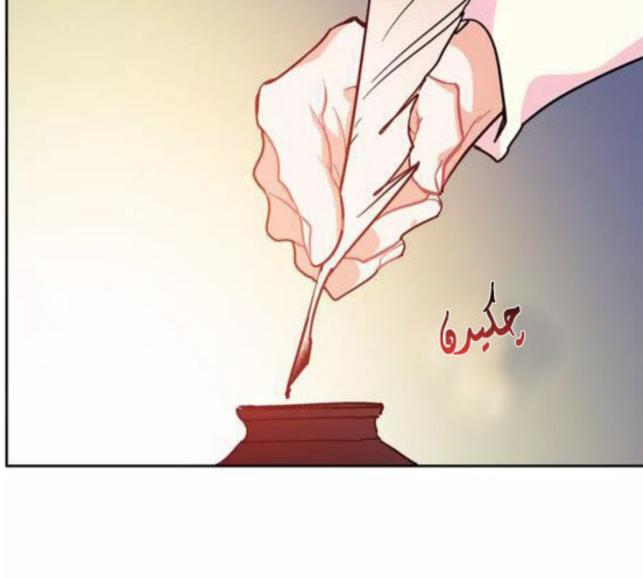


خداشون



این فنجون چای..

از هر طلا، نقره یا جواهری
با ارزش تره...



تو این زندگی هنوز
هاساک مونده،

تا قبل از اعدامم.



من باید تمام اتفاقات بزرگی که رخ داده
رو به خاطر بیارم اینجوری آماده میشم
برای هر اتفاقی که قراره بیوفته.

در طول سفر دوم کلین،
برادر دوم کریس می میرد.

درد گزده

نامادریم بر اثر بیماری میمیره.
خانواده ی ترستان توطئه میکنه
که خانواده رولند رو سرکوب کنه.
اعدام پدرم و اعدام برادر بزرگم
برای محافظت کردن از من یعنی
ملکه.

همه ی اعضای اولین سفر کلین توسط
بیماری همه گیر و ناشناخته ای میمیرن
افراد امپراتوری کنوی بر اثر این بیماری
فوت کردن

مرگ تخمینی: ۴۷ هزار نفر

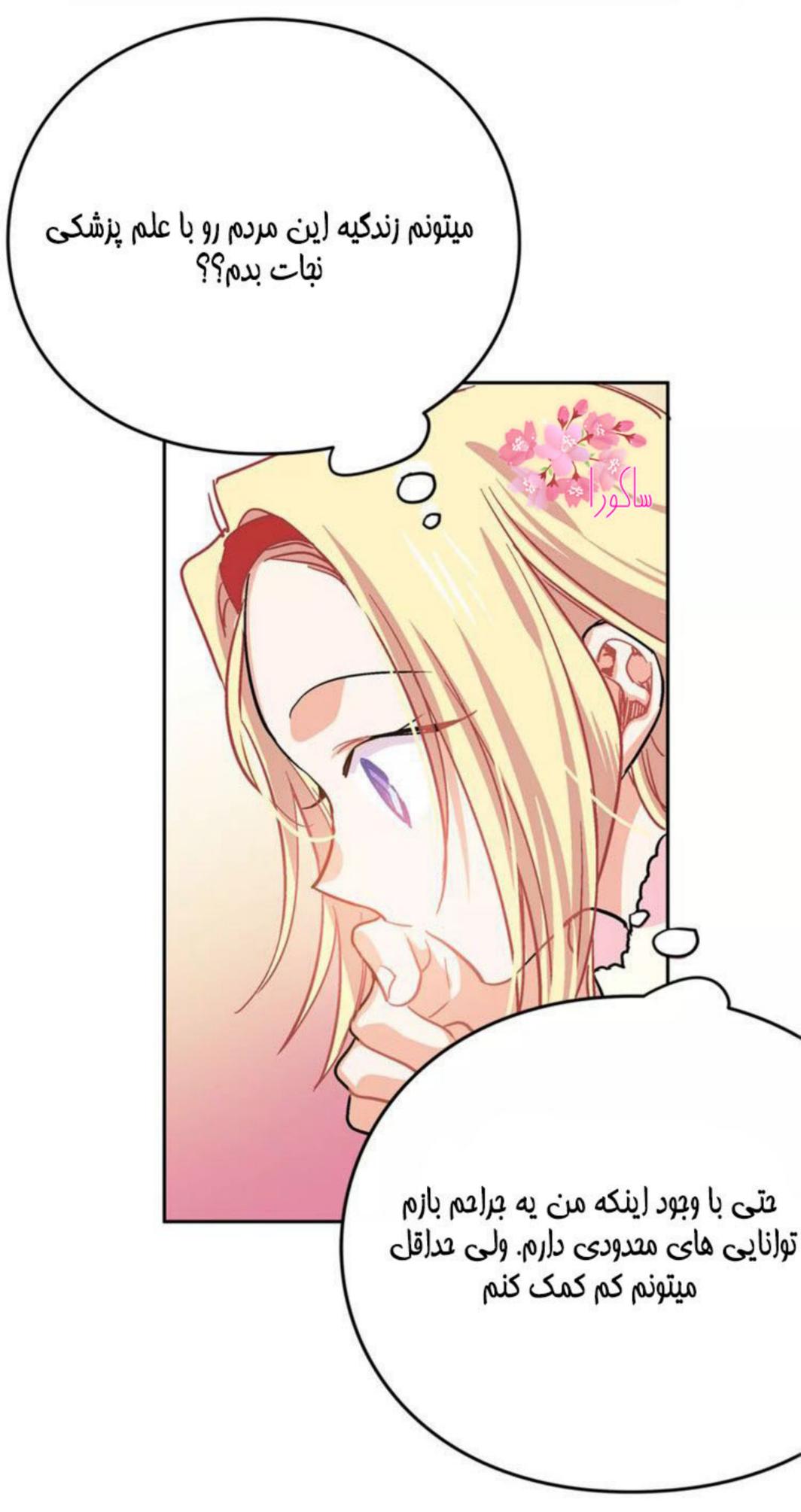
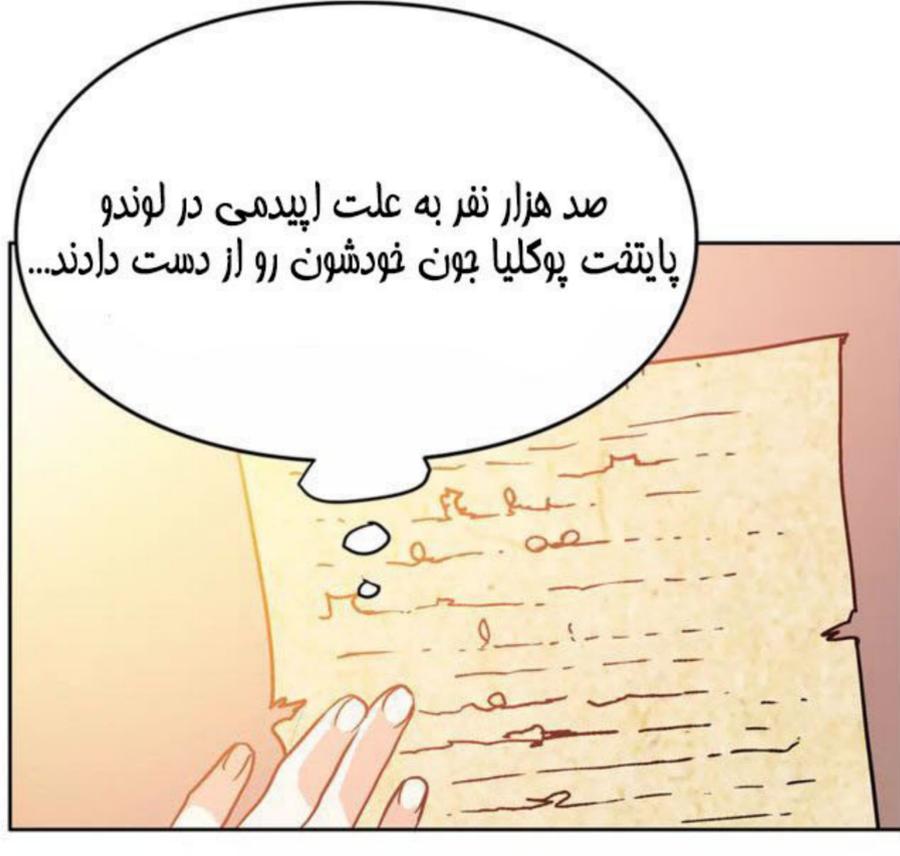
دوشس هابل بر اثر بیماری پیشرفته پارکینسون

درگذشت

بعد از جنگ کلین آبله از شرق
پخش میشه. سه تا از شهر های جنوبی
بسته میشن.

۷۰ هزار مرگ

دانش ما از پزشکی بیش از اندازه عقبه.
کی فکرشو میکرد که یه بیماری بتونه
برای سرنوشت یه کشور تصمیم بگیره
و اونو مردمانش رو زیر رو کنه؟



افتادن

پرنس لینکا و الیز به صورت علنی نامزدی را اعلام کردند.
جشن تولد سلطنتی در سال ۲۳۳ برگزار شد.

